

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۹۸

بررسی و تحلیل اسطوره شاماران در منطقه مکریان مهاباد^۱

شیلان مسرور^۲ ایناز رهبر*

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۹)

چکیده

با گذشت زمان، بسیاری از اسطوره‌ها بنا به علی در پشت پرده تاریک پنهان شده و به دست ما نرسیده‌اند. امروزه بیشتر مردم جهان مار را جانوری مضر و موذی می‌دانند و این هم صرفاً به دلیل ترس نیش‌زدگی و مرگ است. به همین دلیل، انسان در افسانه‌ها که پدیده‌ها و حقایق تلح و شیرین زندگی آن قوم است و با گذشت زمان در هاله‌ای از داستان‌ها و خیال‌پردازی‌ها پنهان شده و به عنوان بازتاب استمرار یک سنت قدیمی به دست ما رسیده است، ترکیبی از خود و جانوران را می‌سازد که نقش رام‌کنندگی دارد و نماد قدرت در مقابل حیوانات محسوب می‌شود. در ارتباط با اسطوره شاماران، به مرور زمان رابطه انسان و مار شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و تا جایی پیش می‌رود که مار جزئی از وجود انسان می‌شود و با هم تشکیل یک موجود هیبریدی را می‌دهند. شاماران (نیمه‌انسان - نیمه‌مار)، اسطوره کردی سرزمین کردستان، یکی از این نقوش است که از زمان‌های قدیم با فرهنگ این سرزمین گره خورده است. شاماران در نقوش مربوط به مردم کردزبان منطقه مکریان مهاباد، خدابانوی مارها، گنج و ثروتی که به شاماران نسبت داده می‌شود و استعاره‌ای کهن از دانش‌هایی است که در اختیار اوست. اسطوره، تکرار نقوش جانوران و فراوانی کاربرد آن‌ها، بازتاب اعتقاد مردمان هر سرزمین است. مار مهم‌ترین نماد قدسی و شاماران نماینده دانش‌های مادی و غیرمادی و

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر شیلان مسرور با عنوان تحلیل و بررسی اسطوره شاماران در منطقه مکریان مهاباد است که با راهنمایی ایناز رهبر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۳. استادیار گروه هنر، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).
*ilnazrahbar@gmail.com

نگه‌دارنده رازها برای کردهاست. روش به کار برده شده در این تحقیق، از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و تاریخی است و سعی شده است از طریق توصیف و بررسی نقش این جانور، مقایسه‌ای در مناطق مختلف مکریان به مرکزیت شهر مهاباد صورت گیرد. نتیجه نشان داد شاماران نماد قدرت، دانایی، برکت‌خیزی، دوستی و محافظت است و نقش آن روی دست- بافته‌ها و دست‌ساخته‌های مردمان این منطقه همچون پرده، دستمال‌جیبی و گهواره کودک، روبالشی و غیره حضوری پررنگ دارد.

واژه‌های کلیدی: اسطوره شاماران، خدابانوی مارها، انسان - مار، منطقه مکریان مهاباد، کردستان.

۱. مقدمه

از جمله آثاری که نقش مهمی در شناسایی فرهنگ و تمدن هر ملت دارد، نقوش بافته‌ها، آثار کنده کاری شده و نقاشی‌های به کار رفته در خصوص جنبه‌های مختلف زندگی مردم در گذشته است. با شناخت این آثار می‌توان اندیشه‌ها و پندارهای گذشتگان را تا حدودی درک کرد و سیره تحولات فرهنگی و مذهبی را تشخیص داد. تکرار نقوش جانوران و فراوانی کاربرد آن‌ها بازتاب اعتقادات مردمان هر سرزمین است. شاماران اسطوره‌کردی سرزمین کردستان، یکی از این نقوشی است که از زمان‌های قدیم با فرهنگ این سرزمین گره خورده است. داستان‌ها و افسانه‌های مردم کرد، سینه‌به‌سینه و از نسل به نسل دیگر منتقل شده است. همین داستان‌ها وسیله یا ابزاری برای کشف بسیاری از رویدادهای تاریخی بوده و به قولی سبب شده است تا خاطره‌های غبار گرفته‌ای که به صورت افسانه در آمده‌اند و هنوز هم همان شکل افسانه‌ای‌شان را حفظ کرده‌اند، زمینه تاریخ و داستان‌های تاریخی را فراهم آورند. اگرچه این داستان‌ها به مرور زمان طولانی و با سلیقه راویان نسل‌های گوناگون شاخ و برگ افسانه‌ای و زیبایی یافته است.

در کتاب *Another look at East and Southeast Turkey* کامیل احمدی (2009)، با نگاهی قوم گرایانه به ۱۵ استان عمدتاً کردنشین ترکیه - که در استانبول به چاپ رسیده - از شاماران سخن گفته است. وی شاماران را اسطوره‌ای محلی در جنوب آناتولی - که نیمه‌انسان، نیمه‌مار است - معرفی کرده است و او را نماد باروری، زنانگی و خرد

می داند. این پژوهشگر کرد، از داستان روایی اسطوره شاماران سخنی به میان نیاورده و تنها در بخش کوچکی از کتاب، شاماران را نماد باروری، شانس، روشنی، خرد و زنانگی معروفی کرده است.

باوه بارزان^۱ (۱۹۹۳)، روایت داستانی شاماران را در مجموعه زنجیره داستان های کوتاه گردی بهنگارش در آورده است. این روایت به زبان کردی کرمانجی است. باوه بارزان تنها به داستان رایج و افسانه ای زندگی شاه بانوی مارها پرداخته است. تاکنون پژوهش جامعی درباره بررسی و تحلیل اسطوره شاماران و تفاوت نقش آن با نقش دوره ها و فرهنگ های متفاوت، صورت نگرفته است.

نقش مار در آثار کهن یکی از نقوشی است که در تمدن های مختلف دیده می شود و پژوهشگرانی مانند مونیک دوبوکور^۲ (۱۳۷۳) در رمزهای زنده جان، جی سی کوپر^۳ (۱۳۸۰) در فرهنگ مصور نمادهای ستی، میرچا الیاده^۴ (۱۳۷۲) در رساله در تاریخ ادبیان، جیمز هال^۵ (۱۳۸۰) در فرهنگ نگاره ای نمادها در شرق و غرب و والتر هینتس^۶ (۱۳۷۱) در دنیای گمشده / یلام به این مسئله توجه کرده اند.

در ایران هیچ گونه پژوهش تحلیلی ای بر این موضوع انجام نگرفته است. در تمام مراجع اینترنتی و ویکی پدیا به زبان فارسی، داستان هایی کوتاه، اما همگی حول یک محور در ارتباط با این اسطوره آمده است که علاوه بر کافی نبودن، ناقص و فاقد تحلیل است. بنابراین، پژوهش حاضر موضوعی جدید است.

استوره و داستان در میان اقوام کرد وجود دارد که از لحاظ محتوا و فرم، شناسایی نشده است و همواره علم سبب کشف و شناسایی بیشتر آن هاست. تاکنون، اسطوره شاماران در ایران تحلیل و بررسی نشده و به صورت مکتوب در نیامده است. در پژوهش های اخیر تنها از این اسطوره نام برده شده و تحلیلی بر داستان اسطوره و نمادهای تصویری آن از لحاظ محتوا و فرم صورت نگرفته است. این مسئله ضرورت انجام تحقیق را افزایش می دهد. موضوع محوری این پژوهش، بررسی نقش مایه شاماران در آثار فرهنگی مردم کردستان و به ویژه منطقه مکریان مهاباد بوده است.

روش تحقیق از نظر هدف بنیادی و از نظر ماهیت و روش آن توصیفی - تحلیلی و تاریخی است. در این تحقیق سعی شده است تا از طریق توصیف و بررسی نقش این

جانور اسطوره‌ای در باور مردمان منطقه مکریان، معانی و مفاهیم اسطوره‌ای آن بیان شود. متغیرهای مورد بررسی، شاماران - منطقه کردستان - روستاهای منطقه مکریان مهاباد^۷ است و روش جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر عمدتاً از نوع میدانی و کتابخانه‌ای است. در روش میدانی، ابتدا به‌طور تصادفی، به مصاحبه با مردم سه روستای لج، حاجی خوش، دریاس و شهرستان مهاباد پرداخته شد و تصاویر مربوط جمع آوری شد. جامعه آماری در این تحقیق، شهرستان مهاباد و روستاهای منطقه مکریان مهاباد بوده و تصاویر شاماران در روستاهای لج، حاجی خوش و دریاس بررسی شده‌اند.

۲. روایت افسانه شاماران (روستای لج، منطقه مکریان مهاباد)

افسانه شاماران (شکل شماره ۱) در بیشتر روستاهای منطقه مکریان هنوز زنده است و نقل می‌شود. در روستای لج از توابع مکریان هنوز هم تصویر شاماران روی دست بافته‌های این منطقه حضور دارد و بزرگان خانواده داستان را این‌گونه برای فرزندانشان نقل می‌کنند که جوان بلند قامت و خوش سیماibi - که از راه بریدن چوب درختان امرار معاش می‌کرد - طبق معمول هر روزه، به سر کارش می‌رود. یک روز در راه، پایش لیز می‌خورد و در چاهی عمیق سقوط می‌کند. تلاش‌هایش برای بیرون آمدن ناکام می‌ماند. جوان نامید - که تامه‌سپ^۸ نام دارد - نامیدانه سرش را برای یافتن راه نجاتی بر می‌گرداند که حفره‌ای در دیواره چاه می‌بیند. تامه‌سپ با چاقوی کهنه‌ای که همراه دارد حفره دیواره چاه را بزرگ‌تر می‌کند و زمانی که به حفره نگاه می‌کند، می‌بیند که ادامه آن به غاری بزرگ می‌رسد. در آن هنگام به درون غار بزرگ می‌خزد و بر اثر خستگی به خواب می‌رود. زمانی که چشم‌هایش را باز می‌کند هزاران مار را در اطراف خود می‌بیند که چشم به او دوخته‌اند. تامه‌سپ خود را عقب می‌کشد؛ اما مارها به‌طرفش می‌آیند. او که از زنده ماندنش نامید می‌شود چشم‌هایش را می‌بندد و زیر لب دعا می‌خواند. پس از گذشت مدتی که چشم باز می‌کند با دختری زیبا روبرو می‌شود که نصف بدنش انسان و نصف دیگرش مار است. زبان تامه‌سپ بند می‌آید. دخترک می‌گوید: نگران نباش. آزارت نمی‌دهم. من سلطان تمام مارها هستم. نام من شاماران

است. تو آن خسته‌ای، بخواب. فردا دوباره به اینجا خواهم آمد. تاماسپ خسته، دوباره می‌خوابد. صبح که دوباره تاماسپ چشم‌هاش را باز می‌کند شاماران را می‌بیند که رویه‌رویش نشسته و صبحانه را آماده کرده است، تاماسپ که محو زیبایی شاماران شده است، چشم از او بر نمی‌دارد. آن‌ها صبحانه را با هم می‌خورند. شاماران که آگاه به تمام رازهای دنیاست، داستان خلقت بشر و خاطراتش را برای تاماسپ تعریف می‌کند. این جریان ادامه‌دار می‌شود و شاماران هر روز داستانی جدید برای تاماسپ علاقه‌مند بازگو می‌کند. روزها می‌گذرند و تاماسپ بیشتر از روز اول به شاماران علاقه‌پیدا می‌کند. بعد از مدت‌ها، تاماسپ که دلش برای خانواده‌اش تنگ شد، آهنگ رفتن می‌کند؛ اما شاماران که به او علاقه‌پیدا کرده بود و مدتی با هم بودند، مانع می‌شود؛ ولی زمانی که با اصرار تاماسپ مواجه می‌شود با رفتن او موافقت می‌کند، به شرط آنکه این واقعه را پیش هیچ‌کس بازگو نکند و هیچ‌گاه پیش چشم مردم داخل آب نرود؛ چون اگر پوست بدنش با آب تماس پیدا کند مثل مار پوست‌اندازی می‌کند و رازش برملا می‌شود. تاماسپ هم شروط را قبول و غار را ترک می‌کند. تاماسپ تا سال‌ها رازش را در سینه نگاه می‌دارد تا اینکه پادشاه به بیماری لاعلاج مبتلا می‌شود. وزیر پادشاه تنها راه علاج را خوردن گوشت شاماران می‌داند. قصد وزیر از این‌کار یافتن شاماران و تسلط به تمام رازهای دنیاست. پس به تمام جوانان دستور می‌دهد که حوض‌های آب را برای یافتن شاماران جست‌وجو کنند. نوبت تاماسپ می‌رسد، او بهدلیل نگرانی از برملا شدن رازش از شنا در حوض امتناع می‌کند؛ ولی به اجبار او را در حوض می‌اندازند. زمانی که چشم مأموران حکومتی به پوست‌اندازی تاماسپ می‌افتد، او را دستگیر و شکنجه می‌کنند تا جای شاماران را لو دهد. سرانجام، تاماسپ در اثر شکنجه‌های مرگبار زبان به اعتراف می‌گشاید و مکان شاماران را لو می‌دهد. شاماران را دستگیر می‌کنند و به قصر می‌آورند. شاماران و تاماسپ هم‌دیگر را دوباره ملاقات می‌کنند و این‌بار شاماران تاماسپ شرم‌سار را دلداری می‌دهد و می‌داند که او به اجبار لب به اعتراف باز کرده است. در میان جمعیت، ناگهان شاماران با صدای بلند می‌گوید: هر کس دم مرا بخورد از تمام رازهای دنیا آگاه می‌شود، هر کس بدلم را بخورد شفا می‌یابد و هر کس سرم را بخورد درجا می‌میرد. وزیر حریص که سخنان شاماران را می‌شنود دستور می‌دهد

شاماران را سه قسمت کنند. وزیر دمش را می‌خورد و سر شاماران را به‌خورد تامه‌سپ می‌دهد و دستور می‌دهد بدن شاماران را برای پادشاه کباب کنند. وزیر حریص درجا می‌میرد؛ زیرا شاماران واقعیت را نگفته بود. پادشاه سلامتی اش را باز می‌یابد و تامه‌سپ به تمام رازهای نهانی جهان آگاه می‌شود. تامه‌سپ، لقمان حکیم می‌شود، کسی که تمام گیاهان، رازهای پزشکی‌شان را به او می‌گویند.



شکل ۱: اسطوره شاماران (Barzan, 1993: 38)

این داستان روایتی کلی است از ماجراهای این حیوان ترکیبی و اسطوره‌ای که در روستاهای مختلف و برخی مناطق شهری منطقهٔ مکریان به مرکزیت مهاباد از پدران و مادران برای فرزندان نقل می‌شود و در مناطق مختلف با برخی جزئیات متفاوت بیان و تصویر می‌شود؛ ولی کلیت ماجرا و شکل آن ثابت است (شکل شماره ۲).



شکل ۲: کنده‌کاری نقش شاماران روی تختخواب (عکس: نگارندگان، شهرستان مهاباد، متعلق به سال ۱۳۹۳)

۲. ساختار تصویر

شاماران خدای مادینه و دیرینهٔ کُرده‌است که در کردستان بسیار شناخته شده است. در میان مردم به این صورت جا افتاده که شاماران خداوند دانایی و نگهدارندهٔ رازهای است.

سرگذشت شاماران به صورت همگانی در کردستان^۹ بین مردم پخش شد و مردم آشنایی زیادی دارند، به صورتی که در بیشتر مناطق، عکس شاماران در اتاق خواب دخترهای جوان و زن‌ها آویزان شده است. تصویر شاماران در بافته‌ها و نقوش بسیار قدیمی یافت شده است. تاریخ شاماران به روشنی مشخص نیست؛ اما این یقین وجود دارد که این خدا قبل از آیین‌های مسیحی، یهودی و اسلام در میان مردم وجود داشته است و از باقی‌مانده دورانی است که کردها باور به چندین خداوند متفاوت و فرشته‌اند. در گذشته‌های دور کردها هم مثل بیشتر فرهنگ‌های کهن باور داشتند که هر کدام از این خداها قدرتی بر یک یا چند چیز مربوط به زندگی انسان‌ها و طبیعت را داشته‌اند (صاحبۀ شفاهی با پیر محمد احمدی، ۱۳۹۷). شاماران نیمه‌انسان – نیمه‌مار است. موجودی است افسانه‌ای، دارای دو سر (یکی دختری زیباروی و دیگری ماری با نیش درآمده و متحرک)، پاهای زیاد به‌شکل مار، بدنه پولکی، تاجی بر سر و گردنبندی زیبا. این حیوان ترکیبی، نزد مردمان مکریان خوش‌یمن است. برای همین، با تغییراتی جزئی روی بیشتر دست‌بافته‌های زنان و دست‌ساخته‌های مردان حک می‌شود (شکل شماره ۲)، به امید بهره‌گیری صاحب این آثار از قدرت ماورائی و جادویی شاماران. برای درک بهتر موضوع، اجزای مختلف این حیوان ترکیبی را به صورت مجزا، به استناد تصویری روی دستمال جیبی گل‌دوزی‌شده منحصر به‌فرد از منطقه لج بررسی می‌کنیم (شکل شماره ۳).



شکل ۳: دستمال تزئینی شاماران (عکس: نگارندگان، متعلق به حدود سال ۱۳۵۷)

۲ - ۱. بدنه و پاهای

روی یک دستمال جیبی گل‌دوزی‌شده منحصر به‌فرد که در روستای لج بافته شده است (شکل شماره ۴) تصویر متفاوت‌تری را از شاماران مشاهده می‌کنیم. شاماران را در حال حرکت سریع با فرمی شبیه به حالت یورمتۀ اسب می‌بینیم که تنها دارای دو دست و دو پاست و بافندۀ

اثر، بهجای سُم چهارپایان، سر مار را بر انتهای دست و پا نقش کرده است. دست‌ها و پاهای کاملاً باز و در جهت مخالف همدیگر تصویر شده‌اند که سبب القای حرکت یورمته شاماران در ذهن بیننده می‌شود. مارها به‌گونه‌ای که آماده دفاع از جان خود هستند، نیششان را بیرون آورده‌اند. بافت بدن در این قسمت با دوخت متفاوتی جدا شده است. این در حالی است که در بیشتر موارد شاماران با تعداد بیشتری از دست و پا نشان داده می‌شود که حالت سکون یا حرکت آهسته را نشان می‌دهند؛ اما در فرم دست و پاها که به‌شکل مار ترسیم می‌شوند مشترک هستند. در قسمت بدن در هیچ‌کدام از تصاویر مشاهده شده به حالت نر و مادگی شاماران اشاره نشده است و تنها از روی سر آن جنسیت تشخیص داده می‌شود و بافت تصویر شده برای بدن، دست و پا مشابه است.



شکل ۴: بدن و پاهای شاماران، بخشی از تصویر ۳

۲ - بال‌ها

بنا بر نظر بیشتر محققان، بال در تصویر اساطیر، نشان از موجودات الهی و مافوق طبیعی هستند. بال اشاره به الله خورشید دارد و الوهیت موجود را نشان می‌دهد. بال دلالت بر قدرت ارتباط میان خدایان و بشر بوده است و بال‌های گسترده و بازشده بهمنزله حمایت خداوندی است.

در فرهنگ بودایی، وجود دو بال، نشانه حکمت و روش است. در عیسویت، فرشتگان بال دارند؛ ولی گاه نیز شیطان را با بال خفافش نشان می‌دهند. در عبرانی، ملائک مقرب و فرشتگان و سراب‌ها و کروب‌ها دارای بال هستند. در رمزپردازی ایرانی، قرص بالدار نماد اهورامزدا به معنای روشنی است. در اسلام، هشت فرشته بال‌دار تختی را نگه می‌دارند که جهان را در بر می‌گیرند. در آئین میترایی، نماد چهار باد و چهار فصل بهوسیله بال‌ها نشان داده می‌شود (اقتداری، ۱۳۷۵).



شکل ۵: بال‌های شاماران، بخشی از تصویر ۳

در شکل شماره پنج، بال‌های بسته، ارتباط موجودات الهی و مافوق طبیعی را با اسطوره شاماران نشان می‌دهد. بر اساس تحقیق احمد اقتداری^۱، کبوتر از نشانه‌های زهره (آناهیتا) است (همان‌جا).

۲ - ۳. سر

سر شاماران در این دستمال به صورت زنی زیبارو ترسیم شده است که مستقیماً به بینده نگاه می‌کند و حالتی خاص از ترس یا شادی را نشان می‌دهد که بیان کننده دلیل فرار و یا حرکت سریع شاماران است. سر دارای گیسوان مشکی تاب‌دار و بلند است، بال‌ها به قسمت گردن شاماران بافته شده و دارای بافت متفاوت‌تری از بدنش است. گردن و صورت با رنگ صورتی جدا شده‌اند. وی گردنبندی نارنجی بر گردن دارد و مثل بیشتر تصاویر این اسطوره، دارای چشمانی درشت و لباني قرمز است. ابروانش هلالی و مژه‌گانی پرپشت دارد. نگاهش رو به بیننده اثر و بدون لبخند و کاملاً جدی تصویر شده است (شکل شماره ۶).

تاج و شاخ‌های جانوران در بیشتر فرهنگ‌ها، الوهیت و حکم‌فرما بودن آن‌ها را نشان می‌دهد. تاج و شاخ‌های شاماران هم هماهنگی زیبایی دارند و به خوبی حسن الوهیت و حکم‌فرما بودن را منتقل می‌کنند. شاخ‌های او، به رنگ سفید با رگه‌هایی از رنگ کرمی، همنشینی زیبایی با تاج دو طبقه که ترکیب دو رنگ نارنجی و زرد است،

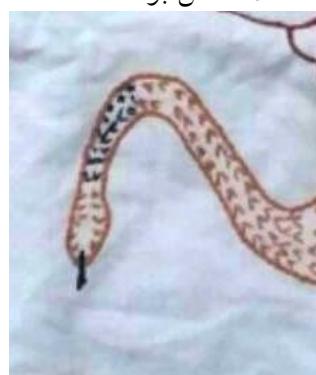
ایجاد کرده است. در بالای تاج شاماران، دایره‌ای کوچک و قرمز رنگ وجود دارد که می‌تواند نقش سنگی قیمتی باشد.



شکل ۶: سر شاماران، بخشی از تصویر ۳

۴-۲. دم

انتهای دم شاماران به شکل ماری است (شکل شماره ۷) که نیشش را بیرون آورده است. بافت دم شاماران، با دوختی ناپیوسته مشخص شده است و رنگ آن قهوه‌ای است؛ اما قسمتی از آن مشکی است و نکته مهم در تمام تصاویر شاماران، گردن مار است که دارای حلقه است. این حلقه بیشتر با رنگی متفاوت نشان داده می‌شود. در این تصویر، حلقه گردن و نیش مار به رنگ مشکی است. در بیشتر موارد قسمت دم شاماران با نیشی باز و متحرک رو به سمت شاماران ترسیم می‌شود؛ اما در این دستمال دم با نیشی بیرون آمده به رنگ سیاه و در جهت مخالف سر و به سمت پایین ترسیم شده است که یادآور فرم دم اسی در حال یورتمه است که احتمالاً این تفاوت در ترسیم جهت و فرم دم، به دلیل القای حرکت در این دستمال خاص بوده است.



شکل ۷: دم شاماران، بخشی از تصویر ۳

۳. تحلیل روایت

تاریخ پیدایش شاماران به روشنی مشخص نیست؛ اما در تمامی روایت‌ها هدف از کشته شدن شاماران، بھبودی، شفا و یافتن آگاهی انسان است. این افسانه در بین اقوام گُرد، درمانگر بودن شاماران و آگاهی او به رازهای جهان را بیان می‌کند. در نقوش و بافته‌های مردم این منطقه، شاماران اسطوره‌ای ترکیبی بین زن و مرد است. مردم این روستا معتقدند شاماران روزی آنها را فرونی می‌بخشد. به همین دلیل خانه‌هایی را برای زندگی انتخاب می‌کنند که در اطرافشان مارها دیده شده باشند. گاهی مردم، بال پرنده‌گان را هم برای شاماران متصور می‌شوند (شکل شماره ۸).



شکل ۸: تابلوی دیواری شاماران (عکس: نگارندگان، روستای لج، مکریان مهاباد)

بنا به افسانه شاماران، او که در تارسوس، در قلعه ماران زندگی می‌کرده، در ماردين - شهر کردنشین ترکیه - در غاری که هفت طبقه زیر زمین بوده، می‌زیسته است. مارها که ماران نامیده می‌شوند، بسیار عاقل و خوش قلب بودند. آنها بهدوستی و محبت، ارزش زیادی قائل بودند و در کنار هم در صلح و آرامش زندگی می‌کردند. ملکه آنها، شاهماران مار - زنی جوان و زیبا بود، هرگز پیر نشد و پس از مرگ نیز، روح او در وجود دخترش به زندگی ادامه داد (مصطفی‌شفاهی با اسماعیل گرگین، ۱۳۹۷).

هدف اسطوره و سیر داستان در مناطق مختلف مکریان ثابت است و تنها در بیان جزئیات تفاوت اندکی دارند؛ مثلاً در برخی مناطق کردنشین ترکیه این شاماران است که اولین بار فرزند پادشاه را می‌بیند و دلباخته او می‌شود و سعی در بهدست آوردن او می‌کند یا در برخی نقاط نحوه برهملا شدن راز و مکان شاماران کاملاً اتفاقی بیان می‌شود و مسبب آنرا اعتماد و سادگی تهماسب می‌دانند. اگرچه داستان با برخی تفاوت‌ها بیان می‌شود و حتی در ترسیم شکل آن

تفاوت‌هایی اندک مشاهده می‌شود؛ اما هدف و انگیزه اصلی از خلق و بیان این اسطوره و داستان افسانه‌ای یکی است (جدول شماره ۱).

جدول ۱: مقایسه روایت‌های شاماران در مناطق مختلف مکریان (نگارندگان)

منطقه / داستان‌ها	روایت داستانی	تصویر شاماران	نماد شاماران
زنگیره داستان‌های کردی	<p>جاماسب ناخواسته، از راه چاه عسل به دنیای زیرزمینی وارد می‌شود که در آنجا شاماران حکم‌فرما و ملکه تمام مارهای جهان زیرین است. جاماسب بعد از ۱۴ سال زندگی با شاماران، سرانجام به زندگی واقعی باز می‌گردد و بعد از آزار و اذیت مأموران وقت، جای شاماران را به حاکم وقت که درمان مریضی اش خوردن گوشت شاماران است، لو می‌دهد. شاماران حتی با وجود این بی‌عدالتی که در حق وی شده است، دست از کمک به جاماسب بر نمی‌دارد و با گفتن حقیقت در مورد خوردن قسمت‌های مختلف بدنش، او را به تمام رازهای جهان آگاه می‌سازد.</p>		<p>۱. نماد دانایی و آگاهی به تمام رازهای جهان</p> <p>۲. نماد دوستی و خوش‌نیتی در مقابل خیانت آدمیزاد</p>
روستای لج	<p>تامه‌سپ به دلیل افتادن ناگهانی در چاهی عمیق، به دنیای زیرین ورود پیدا می‌کند و به‌وسیله کندن دیواره چاه با چاقویش، وارد غاری بزرگ، می‌شود. در آن غار بزرگ،</p>		<p>۱. نماد درمان-گری انسان</p> <p>۲. نماد دانایی و عقل</p> <p>۳. نماد برکت و رزق و روزی</p>

بررسی و تحلیل اسطوره شاماران در منطقه مکریان مهاباد شیلان مسروور و همکار

		<p>شاماران، سلطان مارهای است. او که به تمام رازهای جهان آگاه است داستان خلقت بشر را برای تامه‌سب تعریف می‌کند و کم کم به تامه‌سب علاقه‌مند می‌شود. هنگامی که تامه‌سب آهنگ رفتن می‌کند، شاماران از وی قول می‌گیرد داستانش را برای کسی بازگو نکند. سرانجام تامه‌سب شرمسار، برای دفاع از جان خود، شاماران را به کشتن می‌دهد.</p>	
۱. نماد قدرت ۲. مردم از شاماران یک نوع مصوبیت می‌گیرند که آنها را در مقابل نیش مارها حفظ می‌کند		<p>دانستان زندگی اسطوره شاماران در دو روستای حاجی‌خوش و لج، از لحاظ روایی با هم فرقی ندارند و تنها در تصویر کردن شاماران، اندکی متفاوت‌اند.</p>	روستای حاجی‌خوش

<p>۱. نماد موفقیت</p> <p>۲. نماد زیایی و برکت</p> <p>۳. نماد خوش‌یمنی</p>		<p>شاماران به همراه مارهای دیگر در قلعه‌ای زندگی می‌کرده است. یک روز که دختر پادشاه وقت در حال آبتنی در برکه‌ای بوده، شاماران او را می‌بیند و عاشقش می‌شود. وقتی شاماران، دختر پادشاه را از پادشاه خواستگاری می‌کند، پادشاه به دلیل ترس و زشتی شامار، خواسته‌اش را رد می‌کند و این امر سبب می‌شود که شاماران، دختر پادشاه را بدزد. در این هنگام مأموران و نگهبانان محافظتی او را می‌کشند و به دنبال این امر، تمام مارهای کوچک به آن سرزین حمله می‌کنند تا انتقام حاکم‌شان، شاماران را بگیرند. این داستان کاملاً شبیه به داستان رایج میان مردم ترکیه است که تنها خانم شخصیت‌ها و مکان‌ها متفاوت است.</p>	<p>روستای دریاس</p>
منبع تصاویر: نگارنده‌گان			

۴. تحلیل اسطوره

مار این جانور خزنده، از ادوار پیش از تاریخ به طور گسترده‌ای پرستش می‌شد و یکی از نمادهای دینی با مفاهیم وسیع و متنوع به شمار می‌رفت. از همان روزگاران نخستین نیز به پرستش خورشید وابستگی داشت. به نظر می‌رسید که با پوست‌اندازی ادواری خود مانند خورشید تجدید حیات می‌کند. بنابراین، نماد مرگ و تولد دوباره محسوب

می شود. مار مظہر پرتوهای شمس، خط سیر خورشید، آذرخش و قوه آبها و نشانه همه ایزدان رودخانه است. همچنین، این حیوان نشان دهنده تلبیس، زیرکی، حیله گری، تاریکی و اغواگری است (کوپر، ۱۳۸۰). از آنجا که مار وابسته به زمین بود، یک فضای زیرزمینی و دشمن خورشید - خدا به شمار می رفت (هال، ۱۳۸۰). نقوش اشیایی که از سوی کاوش های باستان شناسی به دست آمده است نشان می دهد که مار نگهبان درخت حیات بوده و یا نماد ماه است که پی در پی شکل عوض می کند و هستی و نیستی را تکرار می کند، به علاوه ظروفی از بحرین کشف شده است که درون آنها مارها قرار داشتند. حدس زده اند که مردم آن دیار، مار را می پرستیدند (همانجا).

مارهایی با سر انسان، گواهی بر جنبه الوهیت این خزندگی به دست می دهند (هیتس، ۱۳۷۱). به نظر می رسد این پرستش خدایان، به مرور زمان منسوخ شده و چهره ای مرموز داشته است. گاهی نمادی از نیروهای سودبخش بوده است و حاصلخیزی و برکت را به همراه می آورده و گاهی نیز نشانه ای از نیروی هولناک بوده است که ویران کننده و مصیبت آور است. وجود این نقش مایه در زیر پی بناها دلالت بر آن دارد که برای دفع چشم زخم و دوری از نیروهای شوم موجود در قلمرو عالم زیرین به کار می رفته است.



شکل ۹: گلیم و قالی دارای نقش شاماران (عکس: نگارندگان، روستای دریاسن، متعلق به سال ۱۳۸۴)

به نقش جانوران، به خصوص مار در اساطیر ایرانی و دوره باستان همواره توجه شده است. در کتب کهن ایرانی همچون اوستا - که تنها بازمانده زبان اوستایی است - و کتب گوناگون فارسی میانه نیز کماکان به چشم می خورد. استفاده از نقش مار در آثار مختلف در چند حالت ۱. انسان مارتان ۲. انسان مار به دست ۳. انسان نشسته یا ایستاده بر مار) نشان داده شده است.

نخستین نشانه‌های حضور نقش‌مایه مار روی مواد فرهنگی در جنوب غرب ایران متعلق به شوش در سال‌های ۳۸۰۰ تا ۴۲۰۰ قبل از میلاد است که در شوش و سفال تل‌باقون دیده شده که متأثر از سنت سفالگری شوشیان میانه و جدید بوده است و نشان دهنده پیوندهای سبک‌شناسی با سفال شوش، مناطق جنوبی و مرکزی زاگرس است (علیزاده، ۱۳۸۳). نقش مار بر کوزه‌های آب ییانگر هم‌بستگی‌اش با برکت و بارندگی و پاییدن آب است. ما هنوز مار را نگاهبان گنج‌ها می‌دانیم، در ایران کهن نیز مار را حافظ زندگی و آب‌ها می‌دانسته‌اند (بهار، ۱۳۷۷). حضور تصاویر بی‌شماری از حیوانات و موجودات اساطیری روی ظروف، مهرها و الواح باقی مانده از تمدن‌های باستانی نشان از تقدس برخی از آنان در اساطیر و افسانه‌های بومی هر قوم و تمدن باستانی دارد.

در ایران چنین به‌نظر می‌رسد که همراه اعتقاد و ایمان قدیمی نسبت به خدایان باروری و فراوانی، پرستش خدای مار از نظر نشانه باروری، به‌طور مصنوعی از هزاره چهارم تا هزاره اول پیش از میلاد جاری بوده است (گدار، ۱۳۷۷). برخی، نقش‌مایه مار را با ایزد بانوی همراه او در ارتباط می‌دانند (رفیع‌فر و ملک، ۱۳۹۲). بنا بر متون زرتشتی «اهریمن موجد گروه دیوان، پریان و اژدهایان و خرفستان، خشم و خشک-سالی است و هدفش تخریب جهان است» (بهار، ۱۳۷۷) و «پریان دلباخته نران و پهلوانان می‌شوند و آن‌ها را افسون می‌کنند و با آبستنی و زایش سروکار دارند» (سکاراتی، ۱۳۷۸). مار در اوستا اژی (aži) و در سنسکریت «ahi» نام دارد و گاهی با صفت، برشکم‌رونده و تندر و آورده شده است (پورداوود، ۱۳۲۶) تصویر پهلوانی که مارها را در کتترل دارند، نخست در شمایل‌شناسی هنر ایران طی هزاره پنجم قبل از میلاد آشکار شده است (پیتمن، ۱۳۹۲).

در روایات اسلامی که گاه از سرچشمه فرهنگ‌های یهود متأثر است، مار حیوانی زیبا و دارای چهارپا مانند شتر بود. از خزانه‌دارهای بهشت به‌شمار می‌رفت؛ اما چون با ابلیس در اغوای آدم همکاری کرد خداوند به عقوبت این کار او را از بهشت اخراج کرد و به اصفهان انداخت و او را به‌خاک خوردن و با شکم خزیدن عقوبت کرد و مقرر شد آدمیان سر او را بکوبند. در تورات نقش گناه‌آلود مار بیشتر از روایات اسلامی آشکار است؛ زیرا در اینجا خود مار و سوسه‌گر است (یاحقی، ۱۳۸۶).

در هنر بین‌النهرین معمولاً اژدر و اژدر - مار به عنوان محافظ دروازه‌ها، چشمه‌های آب حیات و بی‌مرگی و قداست و نیز همه نشانه‌ها و عالیم مربوط به زندگی، باروری، قهرمانی، بیماری و گنجینه‌ها به شمار می‌روند (الیاده، ۱۳۷۲).



شکل ۱۰: کیسه تزئینی نگهداری نمک با نقش شاماران (عکس: نگارندگان، شهرستان مهاباد، متعلق به سال ۱۳۹۰)

در هندوستان مارها در ساحت اساطیری حیات از نیروهای مهم طبیعت به شمار می‌روند و نقش مهمی را در تبادل و امتداد حیات ایفا می‌کنند. مارهای اساطیری را ناگا^{۱۱} می‌نامند، عموماً «شاهمارها» ناگا خوانده می‌شوند، و «مار بانوان» به ناگینی شهرت دارند. کیش نیایش مار از ادوار کهن در هند رواج داشته است و هنوز هم به قوت خود باقی است. اساطیر هند مملو از افسانه‌های مربوط به ناگاهاست. این موجودات بر آب‌های زمین، دریاچه‌ها، برکه‌ها، رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها نظارت دارند و این پدیده‌های طبیعی را در مسیر مقدرشان هدایت می‌کنند (ذکرگو، ۱۳۷۷). ناگاهای بالاتنه انسانی و پایین‌تنه مارگونه دارند. این موجودات اساطیری در بیشتر شمایل‌ها ضمن داشتن سر و صورت انسانی دارای سر یا سرهایی به‌شکل مار کبرا نیز هستند که همچون چتر بر فراز سر انسانی‌شان افرانشته می‌شود (ذکرگو، ۱۳۹۱).

هم‌زمان با گسترش کشاورزی، تقدس الهه مادر گسترش می‌یابد. دامداری و کشاورزی نتیجه نیاز انسان به غذا نبوده است؛ بلکه نتیجه آن بود که انسان به یک دیدگاه و رویکرد جدید به طبیعت دست یابد و رابطه جدیدی با طبیعت ایجاد کند (Cauvin, 1994). انسان برای غلبه بر ترس خود از آسیب موجودات موذی، همواره بر

این نظر بوده است که خود را قدرتمند و حاکم بر این موجودات نشان دهد. با توجه به این موضوع در مورد شاماران، می‌توان ادعا کرد که دلیل نقش کردن آن به صورت ترکیبی از انسان و مار، نقش انسان را به صورت رام‌کننده نشان می‌دهد. انسان همواره در صدد بوده است تا ضرری از جانب جانورانی همچون شیر و مار و غیره به او نرسد. پس در افسانه‌ها ترکیبی از خود و جانوران را می‌سازد که نقش رام‌کنندگی دارد و نماد قدرت در مقابل حیوانات یادشده محسوب می‌شود. به این ترتیب، رابطه انسان و حیوانات وارد مرحله جدیدی شده است که انسان‌ها را در مقابل حیوانات به‌گونه‌ای محافظت می‌کرده است. به مرور زمان رابطه انسان و مار شکل تازه‌ای به‌خود می‌گیرد و تا جایی پیش می‌رود که مار جزئی از وجود انسان می‌شود و با هم تشکیل یک موجود هیبریدی را می‌دهد. رابطه‌ای که به دلیل حفاظت بیشتر از آدمی تا مدت‌ها در کنترل انسان بود. بعد از مدتی، کاملاً تغییر می‌کند، چنان‌که از موجود موذی و مضر گذشته خبری نیست. رابطه انسان و مار در مفهوم شاماران، رنگ تازه‌ای به‌خود می‌گیرد. موجود هیبریدی حاصل، از ترکیب زن و مار به وجود آمده است. در این مفهوم اگرچه مار موجودی زیان‌آور نیست؛ بلکه نماد دانایی، خوش‌یمنی و حفظ پیمان است.

شاماران خداوند مادینه (مؤنث - زن) کُرد، خدای دانایی و نگهدارنده رازهاست (شكل شماره ۹). اجزای نام شاماران از «شا+ مار + آن» ساخته شده است. «شا» در کردی به معنای «شاه» آورده شده است که نشان می‌دهد این کلمه دارای ریشه فارسی نیز هست. در فرهنگ کردی - فارسی (ههنبانه بورینه)، معنی لغوی شاماران به‌شکل زیر آمده است: «شامار: حمزیا، زهها - فارسی: اژدها» (شرفکندي، ۱۳۸۱). آثار کشف شده باستان‌شناسان حاکی از این است که منطقه مهاباد حداقل از سده‌های اول هزاره اول قبل از میلاد مسیح، یکی از مناطق مسکونی ایران بوده است. در حقیقت، این افسانه‌ها، خیانت انسان در مقابل صداقت و خوش‌نیتی شاماران را نشان می‌دهد. در بررسی تصاویر شاماران در قسمت‌های مختلف منطقه مکریان مهاباد، نکته مهم برای مردم این منطقه، قدرت برکت‌بخشی و دانایی و دوستی شاماران با انسان است.

مار مهم‌ترین نماد قدسی و شاماران نماینده دانش‌های مادی و غیرمادی برای کُردهاست. گنج و ثروتی که به شاماران نسبت داده می‌شود، استعاره‌ای کهن از

دانش‌هایی است که در اختیار اوست. همچنین، طلس و معما، پرسشی است که در تصرف ماست و انسان باید بر آن اشراف یابد و معجزه و سحر، رسوخ به اسرار هستی و به کارگیری قوانین آن است. آگاهی یافتن بهزیان گیاهان و پرندگان بهواسطه مار به همین معنی است (سسیل و سسیل، ۱۳۸۶).

نقش مار در کردستان، بیش از هر چیز دربردارنده مفاهیمی چون نیروهای جهان زیرین، نامیرایی و باروری است و بیش از هر فرهنگ و تمدن دیگری با آیین‌های منطقه خود مرتبط است. هم با نوعی قدس و احترام همراه است هم با وحشت. رابطه انسان و مار در هیبت شاماران شکل جدیدی به خود می‌گیرد که اتفاقاً همچون گذشته خطرناک نیست و از دوستان انسان بهشمار می‌آید. شاماران نماد دوستی، محافظت پیمان و خوش‌یمنی است (شکل شماره ۱۰).



شکل ۱۱: پرده منقوش با تصویر شاماران (عکس: نگارندگان، روستای لج، متعلق به سال ۱۳۶۰)

۵. نتیجه

هم‌زمان با گسترش کشاورزی، تقدس الهه مادر گسترش می‌باید. دامداری و کشاورزی نتیجه نیاز انسان به غذا نبوده است؛ بلکه نتیجه آن بود که انسان به یک دیدگاه و رویکرد جدید به طبیعت دست یابد و رابطه جدیدی با طبیعت ایجاد کند. مار همواره نماد بخشندگی نعمت به زمین بوده است. پس انسان برای بهره بردن از قدرت مار، در صدد اهلی کردن او بوده است. در آثار تمدن‌های کهن، انسان ماربه‌دست، به وفور دیده می‌شود. در بیشتر این نقش‌ها، مردی دو مار را با دستان خود نگه داشته است. می‌توان از این موضوع برداشت کرد که انسان برای غلبه بر ترس خود از آسیب موجودات موذی، همواره بر این نظر بوده است که خود را

قدرتمند و حاکم بر این موجودات نشان دهد. با توجه به این موضوع در مورد شاماران، می‌توان ادعا کرد که دلیل نقش کردن آن به صورت ترکیبی از انسان و مار، نقش انسان را به صورت رام‌کننده نشان می‌دهد. به این ترتیب، رابطه انسان و حیوانات وارد مرحله جدیدی شده است که انسان‌ها را در مقابل حیوانات به‌گونه‌ای محافظت می‌کرده است. به مرور زمان، رابطه انسان و مار شکل تازه‌ای به‌خود می‌گیرد و تا جایی پیش می‌رود که مار جزئی از وجود انسان می‌شود و با هم تشکیل یک موجود ترکیبی را می‌دهند. رابطه‌ای که به‌دلیل حفاظت بیشتر از آدمی تا مدت‌ها تحت کنترل انسان بود. بعد از مدتی، کاملاً تغییر می‌کند، چنان‌که از موجود مژده و مضرِ گذشته خبری نیست. رابطه انسان و مار در مفهوم شاماران رنگ تازه‌ای به‌خود می‌گیرد. موجود هیبریدی حاصل از ترکیب زن و مار به‌وجود آمده است. در این مفهوم اگرچه مار موجودی زیان‌آور نیست؛ بلکه نماد دانایی، خوش‌یمنی و حفظ پیمان است.

در فرهنگ کُردها تقدیر آن چیزی است که خداوند آن را از پیش نوشه و مار کلید دریافت آن است. شاماران خداوند مادینه کرد، خدای دانایی و نگهدارنده رازهاست. اهمیت مار در فرهنگ کُردي از دیرباز به‌دلیل نماد محافظت، خوش‌یمنی و زایندگی نعمت و فرزونی برکت بوده است. همچنین، مار در شکل‌گیری اسمی روستاهای و مناطق و ایلات کردستان ایران نقش غیرقابل انکاری داشته است. لذا، نقش مار، نقشی مهم و حیاتی در باور به زندگی مردم منطقه کردستان – که همواره به طبیعت خود احترام و افری می‌گذارند – بوده است. شاماران به عنوان یک اسطوره کُردي در مناطق مختلف کردستان‌های ایران، عراق و ترکیه شناخته شده است. در برخی از روایات شاماران، از جنسیت شاماران سخنی به میان نیامده است و نیم‌تنه دیگر را انسان نام بردۀ‌اند.

در مناطق کردنشین، نقاشی‌های شاماران (با سر زن و بدن مار) نشان برکت، خوش‌یمنی، دانایی، چشم‌نظر و صلح است. با اینکه نقاشی‌های مربوط به مار، بیشتر نشان بدی و بدشانسی هستند؛ اما شاماران خلاف این قضیه را در کردستان و به‌ویژه منطقه مکریان ثابت کرده است. این تصویر در میان این مردمان، حکایت‌های مختلفی دارد. با توجه به اینکه نقاشی این موجود هیبریدی روی اشیای متفاوتی همچون پرده، پارچه، رو بالشی، تابلو، صندوقچه زنان و نوعروسان، گلیم و قالی دیده شده، می‌توان گفت تصاویر شاماران در تمامی اشیا، شبیه به‌هم با اختلافات جزئی در جانشینی رنگ‌ها و همنشینی موجوداتی مانند کبوتر، گل‌های رنگارنگ یا دست همراه بوده است. کاربرد نقش‌مایه شاماران روی اشیای مورد استفاده مردم، مفاهیمی متفاوت می‌سازد و بر اساس مکانی که نماد شاماران روی آن نقش می‌شود، کاربری آن شیء

هم تغییر می‌کند. برای مثال، روی کیسه نمک یا آرد مفهوم برکت‌بخشی و فزونی نعمت را داشته است. همچنین، روی درب صندوقچه به معنی محافظت آمده است. این نقش روی تابلوها، پرده‌ها و قالی‌ها نمادی برای خوش‌یمنی و موفقیت اعضای خانواده به کار می‌رفته است.

در بررسی تصاویر شاماران روی اشیای متفاوتی همچون دستمال، تابلو، پرده و روی صندوقچه‌های عروس نکته مهم برای مردم این منطقه، قدرت برکت‌بخشی، محافظت، خوش‌یمنی، دانایی و دوستی شاماران با انسان، بعد از رام شدن وی از سوی انسان است. در خوانش تصویری نقش‌مایه شاماران در طول چندین دهه اخیر، تغییرات بسیار جزئی به وجود آمده است. میان این جزئیات می‌توان به خلق زنانگی بیشتر اسطوره شاماران، مانند رنگ لب‌ها و گردنبند او اشاره کرد که طی زمان با جزئیات و رنگ بیشتری خلق شده است. این نقش‌مایه از رام‌کنندگی انسان و رابطه دوستی او با مار نشان دارد. همچنین، دو اسطوره شاماران هنگامی که در هم می‌بیچند، نماد باروری ایجاد می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که شخصیت‌های اساطیری مانند شاماران و این‌دست عقاید، باورها و آداب در زندگی خصوصی و عمومی مردم آن منطقه سهم بسزایی داشته است. مردم این منطقه در برخورد با مسائلی چون پیدایش انسان، نیکی و بدی، خیر و شر، مرگ و زندگی پس از مرگ با اندیشه و قدرت تخیل خویش، موجودات مافوق بشری خلق کردن تا بتوانند برای مجھولاتشان پاسخی بیابند.

این ترکیب در مورد شاماران متفاوت است و مرد رام‌کننده به زن تبدیل می‌شود، نیمه زن شاماران دارای شاخ بلند و متعلقات زنانه است. در بیشتر نقوش دیده شده از شاماران، او با دهانی باز، چنان‌که نیشش پیداست، به‌سمت صورت زن برگشته است. در میان مردم کردستان خدابانو و مار با هم ترکیب می‌شوند و نماد حاصلخیزی به‌شمار می‌آیند.

استوره شاماران، در ایران به عنوان میراث ناملموس در زمرة رسوم و بازنمایی‌های فرهنگ کردی بهبیت رسیده است.

گفتنی است، در تاریخ ۲۵ آبان سال ۱۳۹۷، مراسمی برای شناسایی و رونمایی عروسک بومی و افسانه‌ای شاماران در موزه فرهنگ و عروسک تهران صورت گرفت که برای اولین‌بار از این عروسک دست‌ساز رونمایی شد. نمایشگاه نقاشی و مجسمه از آثار کودکان هنرکده بادبادک قبل‌تر در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۹۷ در این موزه برگزار شده بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Bavê Barzan

نویسنده، روزنامه‌نگار و مدرس زیان کردی در سال ۱۹۵۹ در شهر عمادیه کرستان عراق دیده به جهان گشود. وی داستان روایت شاماران را به زبان کردی کرمانجی نوشت و سپس به چندین زبان از- جمله کاتالانی (در بارسلونا) ترجمه کرد.

2. M De Beoucorps

3. J.C Cooper

4. Eliade M.

5. J. Hall

6. W Hinz

۷. شهرستان مهاباد در منطقه جنوبی استان آذربایجان غربی و دریاچه ارومیه واقع شده است. این شهرستان از طرف شمال به دریاچه ارومیه و شهرستان میاندوآب، از شرق به شهرستان بوکان، از جنوب به شهرستان‌های سقز و سردوشت و از طرف غرب به شهرستان‌های پیرانشهر و نقده محدود است. مهاباد به لحاظ موقعیت فرهنگی و تقسیم‌بندی مناطق کردن‌شین جزو منطقه مکریان است که در ساحل شرقی رودخانه مهاباد واقع شده است (آرش، ۱۳۸۶). تحقیقات مورخان و آثار کشف‌شده باستان‌شناسان حاکی از این است که منطقه مهاباد حداقل از سده‌های اول هزاره اول قبل از میلاد مسیح یکی از مناطق مسکونی ایران بوده است. یکی از این آثار کتیبه‌ای به خط میخی منسوب به میتوانست که بین سال‌های ۷۷۸ - ۸۱۲ قبل از میلاد سلطنت داشته است. کتیبه مذکور تا سال ۱۸۹۰ موجود بوده است (صمدی، ۱۳۷۳). آثر مهم دیگر منطقه، گوردخمه‌هایی به نام فقره‌قا (فخریگاه) منسوب به دوره ماد است. آثار دیگری مثل پلکان‌های سنگی و راهروهای زیرزمینی مشهور به برده‌کوتنه در منطقه کشف شده‌اند که بر لزوم نفوذ و هجوم وانی‌ها به منطقه دلالت دارد (حکیم‌زاده، ۱۳۸۹). شهر مهاباد در ترکیب کنونی، نخست در اوایل قرن یازدهم هجری از سوی سارم بیگ از ملوک کرد ساوچبلاغ موکری، در بخش شمالی نزدیک به خم رودخانه مهاباد بنا شد. در سال ۱۰۶۰ هجری، بداق سلطان، حکمران مهاباد با شاه سلطان حسین صلح کرد و شهر ساوچبلاغ را که درگیر و دار جنگ‌ها مدتی متربو و مخوب مانده بود بار دیگر آباد ساخت. مهاباد تا اواسط سده نوزدهم مرکز حکومت محلی ۴۰۰ ساله موکری بود.

۸. تام+اسب، تاماسب

۹. کرستان ایران، کرستان ترکیه، کرستان عراق و کرستان سوریه.

۱۰. مشهور به پدر مطالعات خلیج فارس، نویسنده و مورخ ایرانی است. در یکی از پژوهش‌های خود آناهیتا را یکی از بزرگ‌ترین خدایان مورد پرستش در مناطق ایران و بین‌النهرین و عربستان معرفی می‌کند. تحقیقات باستان‌شناسی وی نشان می‌دهد که در مرکز زهره‌پرستی مثل شوش، تصاویر مار هم به وفور دیده شده‌اند (اقداری، ۱۳۷۵).

۱۱. زنانه آن: ناگای یا ناگینی است و دو ناگای به هم پیچیده، مظهر آب‌های بارور شده هستند و از این پیوند، ایزدبانوی زمین زاده می‌شود (کوپر، ۱۳۸۰).

منابع

- آرش، نگین (۱۳۸۶). مهاباد شهر من، دیار من. تهران: سیروان.
- سسیل، اردیشهان و سسیله سسیل (۱۳۸۶). افسانه‌های کردان. ترجمه امیر حسین اکبری شالچی. تهران: ثالث.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۵). دیار شهریاران. تهران: انجمن آثار ملی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷). از اسطوره تا تاریخ. گردآورنده و ویراستار ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: چشم.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۲۶). فرهنگ ایران باستان. تهران: ایران‌شناسی.
- پیتمن، هالی (۱۳۹۲). هنر عصر مفرغ. ترجمه کوروش روستایی. تهران: مؤسسه پیشین‌پژوه.
- حکیم‌زاده، فریدون (۱۳۸۹). ساوجبلاغ مکری (مهاباد در آینه اسناد تاریخی). مهاباد: فرهنگی هیوا.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳). رمزهای زنده‌جان. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.
- ذکرگو، امیرحسین (۱۳۷۷). اسرار اساطیر هند. تهران: فکر روز.
- (۱۳۹۱). نمادشناسی هنر شرق ۲، مار در هنرهای بودایی و هندویی. تهران: مؤسسه تألیف.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و مهران ملک (۱۳۹۲). آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت، هزاره سوم قبل از میلاد. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. د. ۳. ش. ۴. صص ۳۶-۷.
- سکاراتی، بهمن (۱۳۷۸). بازشناسی تقایقی افسانه گرشاسب در منظومه‌های حماسی ایران. تهران: فرهنگستان.
- شرفکندي، عبدالرحمن (۱۳۸۱). فرهنگ کردی - فارسی (هه‌بانه‌بورینه). تهران: سروش.
- صمدی، سید محمد صمدی (۱۳۷۳). نگاهی به تاریخ مهاباد. مهاباد: رهرو.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۳). منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه. ترجمه کوروش روستایی. مرودشت: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فارس، بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد.
- کوپر، جی‌سی (۱۳۸۰). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه مليحه کرباسیان. تهران: فرشاد.

- گدار، آندره (۱۳۷۷). هنر ایران. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: شهید بهشتی.
- مصاحبه شفاهی با اسماعیل گزگین. ۲۶ خرداد ۱۳۹۷. شهر چشم (ترکیه): ساعت ۱۰ صبح.
- مصاحبه شفاهی با پیرمحمد احمدی. ۳۰ فروردین ۱۳۹۷. روستای دریاس (منطقه مکریان مهاباد): ساعت ۳ بعد از ظهر.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هیتنس، والتر (۱۳۷۱). دنیای گمشده ایلام. ترجمه فیروز نیا. تهران: علمی فرهنگی.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌وارهای ایران. تهران: فرهنگ معاصر.
- Ahmady, K. (2009). *Another look at East and Southeast Turkey*. Diyarbakir, Turkey.
- Barzan, B. (1993). *Sahmeran*, Stockholm: Sara.
- Cauvin, J. (1994). *Naissance des divinités*. Naissance de l'agriculture. La Révolution des symbols au Néolithique. CNRS Edition, Paris.

Investigating and analyzing Shāmārān's legend of Mokriyān in Mahābād

Shilān Masrour¹ Ilnāz Rahbar*²

1. M.Sc. in Art Studies- Art department – Islamic Azad University – Science and research Branch.
2. Faculty Member – Art Research department - Islāmic Azād University – Science and research Branch.

Received: 16/01/ 2019

Accepted: 31/07/2019

Abstract

Our accessibility to myths has been limited for us throughout the history for some reasons. Today, most people has the concept of snake as pest and insidious simply for fear of bite and death. For this reason, human beings have come to reflect the continuation of an old tradition belonging to myths whose phenomena are the experiences and truths of people's lives, hidden in a myriad of stories and fantasies over time. This is certainly a combination of self and animals which has the domesticated role and is considered the symbol of power against animals. In relation to Shāmārān's myth, the relationship between man and the snake has taken over time a new form to the extent that the snake becomes a part of human existence and forms a hybrid being. Shāmarān (half human - half snake), the myth of Kurdish culture, is one of the motives associated with this culture throughout history. In the motives of Kurdish people of Mokriyān, Shāmārān is the goddess of snakes which is the symbol of treasure and wealth attributed to it- *an old metaphor of the knowledge* it possesses. The myth, *the repetition of animal motifs* and their frequency of use, reflect the beliefs of the peoples in this culture. The snake is the most sacred symbol of the Kurds and the shāmār represents the material and immaterial knowledge and the conservation of the secrets for the Kurds. The method used in this study is descriptive-analytical and historical in nature, and it has been attempted to describe and compare the role of this animal in different parts of Mokariyān in Mahābād. The results showed that Shāmārān is the symbol of power, wisdom, blessing, friendship and protection, and its image woven on the crafts of local residents such as the curtain, the handkerchief and the cradle indicates a strong presence.

Keywords: Shāmārān myth, goddess of snake, human-snake, Mokriyān region, Kurdistan.

*Corresponding Author's E-mail: ilnazrahbar@gmail.com

